



تحولات نظامی اخیر در جنگ داخلی سوریه

دکتر امین پرتو *

اشاره:

جنگ داخلی سوریه همچنان با شدت و تلفات بسیار ادامه دارد. این تداوم جنگ، علل بسیاری دارد؛ امکان دستیابی به یک پیروزی قاطع نظامی از سوی هر یک از دو طرف درگیری بعید است. عملیات مخالفان اسد برای شکستن محاصره بخش شرقی حلب، گشایش جبهه‌ای تازه در درعا یا ضدحمله در درعا حاصلی جدی در برداشت. نیروهای دولتی، هر چند به سبب برتری در قدرت آتش و انسجام عملیاتی، دستاوردهای بیشتری داشته‌اند اما به سبب فرسایش نیروی انسانی و تجهیزاتی، ضدحمله‌های غافلگیرکننده مخالفان و دشواری در حفظ موقعیت‌های تصرف‌شده، از دستیابی به پیروزی قاطع محروم مانده‌اند. در این شرایط، نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و آینده ناروشن سیاستی که دونالد ترامپ در خصوص سوریه در پیش خواهد گرفت، اراده مستحکم اسد و حامیانش برای ادامه نبرد، تداوم تجهیز نظامی مخالفان اسد و نبود هیچ تمایلی برای مصالحه یا گفتگو، این اطمینان را پدید آورده که جنگ خونین داخلی سوریه همچنان ادامه خواهد یافت.

مقدمه

می‌رانند. امید به دریافت تجهیزات بیشتر و پیشرفته‌تر وجود دارد اما دریافت نکردن سلاح ضدهوایی به یک مشکل لاینحل برای آنان بدل شده است. مخالفان به تطبیق خود با شرایط جنگی و با وجود کمبودها ادامه می‌دهند: تیربارها و خودروهای انتحاری کنترل از راه دور و کوشش برای ساخت اسلحه و مهمات با کارگاه‌هایی در داخل سوریه، ادعای مخالفان در نشان دادن خلاقیت و خودبستگی نظامیشان است؛ هر چند کارآمدی و تأیید این ادعاها، مشکوک به نظر می‌رسد. داعش، که در عراق، درگیر نبرد مرگ و زندگی در موصل و استان نینوا است، در سوریه، دست و پای آخر را می‌زند؛ قلمروی آن در شمال حلب به تصرف ارتش آزاد و کردها درآمده، در رقه مواجه با هجوم وسیع کردهای مورد حمایت آمریکا است، در دیرالزور به جنگ فرسایشی ادامه داده و البته از تحرک جدی در جبهه‌های دیگر ناتوان مانده است. کردها نیز علاوه بر کوشش برای تصرف رقه، امید خود به بلندپروازی‌های ارضی مانند اتصال

عملیات نظامی در یک ماه اخیر در سوریه، چهره نسبتاً جدیدی به خود گرفته است. مخالفان دولت بشار اسد روش پیشین خود را در کاربرد گسترده موشک‌های ضدتانک تغییر داده و به صورت وسیع از راکت‌اندازهای سنگین (عمدتاً از نوع گراد)، توپخانه و خمپاره‌انداز استفاده می‌کنند. عملیات آنها برای شکستن محاصره حلب به خوبی این تغییر ابزار را نشان داده است. آنها سلاح‌های سبک جدید (مانند نسخه ترکیه‌ای راکت‌انداز دستی ام-۲۷ لائو) را به خدمت گرفته‌اند و در شمال حلب و در نبرد با داعش، خودنفربرهای زرهی سبک ای سی وی-۵۱ ساخت ترکیه را



عفرین و کوبانی به هم و پیشروی به سوی جنوب شدادی را از دست نداده‌اند. در مقابل، اسد اراده‌ای استوار و حامیانی راسخ برای ادامه جنگ دارد؛ روسیه ناو هواپیمابر کوزنتسوف و ناوچه گریگورویچ را روانه سواحل سوریه کرده است تا به عملیات نظامی در این کشور بپیوندند. در کارآیی این نمایش نظامی تردید جدی وجود دارد. جنگنده‌های ناوشین روسی (سوخو-۳۳ و میگ-۲۹ کی) از زمان شروع عملیات، مأموریت‌های اندکی انجام داده‌اند که طی همین حضور کم‌رنگ، یک جنگنده هم دچار سانحه شده و سقوط کرده است.

شدت گرفتن درگیری میان ی.پ.گ (کردها) و ائتلاف ترکیه- ارتش آزاد در شمال حلب، ادامه موفقیت‌های ارتش اسد در حاشیه دمشق، زوال بیشتر داعش و ادامه بن‌بست نظامی در حلب، گزینه‌های محتمل در آینده نبرد داخلی سوریه است.

به دلیل استفاده مخالفان از سپر انسانی است، همچنان تداوم دارد. حامی دیگر اسد، حزب الله، رژه‌ای بزرگ در شهر قصیر در استان حمص (که در سال ۲۰۱۳ مخالفان را از آن بیرون رانده بود) برگزار کرد. این قدرت‌نمایی حزب الله، حاکی از آمادگی آن برای ادامه جنگ در سوریه تا آینده نامشخص به نظر می‌آید. تحول نظامی دیگر آن بود که فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران در نشست خبری مدعی شد که آمریکا کارخانه سلاح‌های زمین به زمین که توسط ایران در حلب ساخته شده بود را با حمله هوایی منهدم کرده است. گرچه زمان و مکان حمله مزبور را مشخص نشده اما به نظر می‌آید منظور وی سلسله انفجارهای ناشناخته ۴ ماه قبل حلب باشد. ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۶ در نزدیکی شهرک السفیره در جنوب شرق حلب، انفجارهای عظیم و آتش‌سوزی گسترده‌ای در یک کارخانه نظامی رخ داد که با شلیک ضدهوایی‌ها و ادعای مشاهده اشیای پرنده ناشناس همراه بود. در آن زمان گمان‌ها به سوی عملیات اسرئیل بود؛ به ویژه اینکه رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران هم مدتی پیش از وجود کارخانه‌های موشک‌سازی ایران در حلب سخن گفته بود. آمریکا در خصوص سوریه دست به اقدامات دیگری هم زده است: پس از قتل ابوالفرج المصری، عضو سرشناس القاعده و دست راست جولانی در جبهه نصرت (فتح الشام کنونی) در ماه قبل، آمریکا با حمله هوایی حیدر کرکان، که با بن‌لادن مرتبط و رابطه نزدیک داشت را به قتل رساند. به علاوه آمریکا، فتح‌الشام را که نام تغییر یافته جبهه نصرت پس از اعلام جدایی از القاعده بود، پس از مدت‌ها در فهرست سازمان‌های

روسیه در ماه گذشته، عملیات نظامی بر فراز حلب را برای روزهای متعددی به تعویق افکند؛ گرچه عملیات علیه ادلب، حما و حمص با شدت تمام ادامه یافت. صدماتی که روسیه متحمل شده، همچنان پایین مانده؛ تنها یک هلیکوپتر تهاجمی میل-۵۳ با آتش داعش، سرنگون شد و در آن نیز سرنشینانش از مهلکه نجات یافتند. روسیه بارها به رعایت موازین بشردوستانه در انجام عملیات هوایی تأکید کرده و تعویق عملیات هوایی علیه حلب شرقی را یک نمونه مهم از این توجه معرفی می‌کند. با این حال، کاربرد مهمات خوشه‌ای و آتش‌زا علیه مناطق متراکم مسکونی، که گفته می‌شود

مخالفان را عقب راند. میان و ضاحیه‌الاسد بازپس گرفته شد و هیچ حاصلی به جز تلفات سنگین برای مخالفان به دست نیامد. تنها حاصل این عملیات کاستن از فشار بر بخش شرقی حلب و به تعویق افکندن عملیات نیروهای دولتی در تصرف بخش شرقی بوده است. ساعت صفر شروع این عملیات در حال فرارسیدن است. البته پیشروی در بخش شرقی، با توجه به تراکم ساختمان‌ها و نیز زیرآتش بودن نیروهای دولتی از جانب غرب، به هیچ رو، ساده نخواهد بود. این گمان که مخالفان، از پیروزی مستقیم در حلب دست شسته و به دنبال پیروزی از طریق فرسایش ارتش اسد هستند، محتمل به نظر می‌رسد. به همین سبب، نیروهای دولتی در صدد توسعه منطقه امن پیرامون حلب و خطوط مواصلاتی خود، از طریق عملیات در بخش‌های غربی و جنوب غربی شهر هستند.

در شمال حلب، ارتش آزاد با همراهی ارتش ترکیه، عملیات درع الفرات را علیه داعش به پیش می‌برد. پس از مدتی وقفه، این ائتلاف موفق شد با پس زدن داعش از محور اخترین - عبله، به سوی جنوب پیشروی کند؛ این نیروها با تصرف قباسین، به دروازه الباب رسیده‌اند. در این میان آنها با دشواری مهمی روبه رو هستند. کردها، به‌رغم تأکید مکرر خود و حامی‌شان آمریکا، که به شرق فرات عقب‌نشینی و منیج و پیرامون آن را ترک می‌کنند، از این کار خودداری کرده‌اند. آنها به سوی شرق گام برداشته، عریمه را تصرف و به دروازه‌های شرقی الباب رسیده‌اند. از جانب غرب (محور عفرین) هم آنان به سوی غرب پیش می‌تازند. تهدیدهای مکرر ترکیه و ارتش آزاد، مبنی بر حمله به کردها در صورت پیشروی به سوی الباب هیچ اثری نداشته است. ترکیه و ارتش آزاد، هنوز عمده توان خود را مصروف حمله به داعش کرده و از حمله گسترده به ی.پ.گ اجتناب کرده‌اند. در این میان، داعش که بر لبه شکست کامل در شمال حلب است، به صورت ناگهانی عقب‌نشینی کرد. در شمال شرقی حلب بسیاری از مناطق بدون هیچ درگیری تخلیه شد؛ وضعیت در الباب بسیار پیچیده است؛ کردها از توسعه‌طلبی ارضی خود دست بردار نیستند و گفته می‌شود از اسد تقاضای حمایت علیه ترکیه و ارتش آزاد کرده‌اند؛ برخی جناح‌های ارتش آزاد، آشکارا از این سخن می‌گویند که با تصرف الباب و سپس تادف، به سوی غرب رفته و جبهه تازه‌ای علیه نیروهای دولتی در شرق حلب می‌گشایند تا به همقطاران در محاصره خود در حلب کمک کنند. نیروهای دولتی هم خود نیم‌نگاهی به تصرف

تروریستی قرار داد. آمریکا همچنین چند چهره سرشناس حامی فتح‌الشام، همچون مفتی سعودی، عبدالله المحیسنی را که در جمع‌آوری کمک مالی برای گروه مزبور نقش اساسی دارد، در فهرست تحریم قرار داده است. گفته می‌شود او با ما دستور داده در ماه‌های باقی‌مانده ریاست جمهوری‌اش، افراد سرشناس فتح‌الشام که پیوستگی با القاعده دارند، به صورت هدفمند و با سرعت بیشتر ترور شوند.

تحولات جبهه‌های نبرد

کانون اصلی درگیری نظامی و محل تمرکز نیروها در سوریه، شهر حلب و پیرامون آن است. کوشش مخالفان اسد برای شکستن محاصره بخش شرقی شهر حلب، در عملیات موسوم به «ابو حمزه سراقب» به‌رغم تبلیغات بسیار به شکست منتهی شد. ائتلاف جیش الفتح، نخست با موج خودروهای انتحاری و انفجارهای عظیم، آتش سنگین و بی‌سابقه راکت‌انداز و توپخانه و هجوم وسیع نیروی پیاده، کوشید خطوط دفاعی نیروهای دولتی در بخش غربی حلب را بشکند. برخلاف عملیات چند ماه قبل که از بخش جنوب غربی صورت گرفته بود، عملیات جدید از بخش غربی، یعنی متراکم‌ترین بخش شهر از نظر عوارض غیرطبیعی و جمعیت غیرنظامی، انجام شد. همین مسئله احتمال پیشروی مخالفان را کم کرده بود. بسیاری می‌پنداشتند که این عملیات، فریب مخالفان برای گشودن جبهه اصلی در جای دیگری است. چند مرحله حمله به مسیر اثریا - خناصر یا پیشروی مخالفان در محور الباب (علیه داعش) این گمانه را تقویت می‌کرد. با این حال ضدحمله نیروهای هوادار اسد،



الباب دارند؛ گرچه احتمال آنکه توان تصرف یا نگاه داشتن آن را داشته باشند، اندک است. این احتمال هم وجود دارد که ارتش آزاد، پس از تصرف الباب، با نادیده گرفتن مناطق تحت کنترل نیروهای دولتی، بر کرانه غربی فرات به سمت جنوب پیشروی کنند؛ این پیشروی می‌تواند تا خفسه و پایگاه هوایی جراح و از آنجا تا طبقه ادامه یابد. اگر این اتفاق بیافتد، ترکیه از جنوب به رقه خواهد رسید و از توسعه طلبی کردها به سوی آن جلوگیری خواهد کرد. کردها عملیات گسترده‌ای برای تصرف رقه با نام «خشم فرات» آغاز کرده‌اند که مورد حمایت آمریکا و مخالفت ترکیه قرار دارد. پیشروی کردها، به‌رغم حمایت هوایی گسترده آمریکا و نیروی پر شمارشان (که ادعا شده ۴۵ هزار نفر است!) کند و پرتلفات بوده است. گستردگی میدان نبرد، اینکه رقه پایتخت سوری خلافت داعش است و امکانات بیشتری که داعش برای دفاع از آن اختصاص داده است، امکان دستیابی به پیروزی سریع ی.پ.گ را نامحتمل ساخته است. آمریکا از ی.پ.گ خواسته نیروهایش را از منبج و غرب فرات خارج کند و تمام توان خویش را مصروف نبرد رقه کند. اما کردها اتلاف وقت را آموخته‌اند. آمریکا به آنان نیاز دارد؛ آنان را همچنان (به‌رغم مخالفت ترکیه) مسلح می‌کند؛ هر چند سلاح‌های حساس (موشک‌های ضدتانک و موشک‌های ضد هوایی) به آنها واگذار نخواهد شد.

پس از حلب، فعال‌ترین جبهه درگیری‌ها دمشق است. در غوطه شرقی، اختلافات داخلی مخالفان (جیش الاسلام با فیلق الرحمن)، محاصره بودن منطقه که منتهی به کمبود اسلحه و مهمات شده است و فشار سنگین نیروهای دولتی، فرجامی جز شکست برای مخالفان باقی نگذاشته است. شهر دوما، دژ مستحکم جیش الاسلام در آستانه سقوط است. شبکه تونل‌های گسترده، کارآمدی خود را از دست داده؛ توانی برای مقابله با نیروی زرهی اسد (به علت اتمام ذخیره موشک‌ها و راکت‌های ضدتانک در محاصره) وجود ندارد و خبری هم از کمک گرفتن از جایی در خارج از منطقه غوطه شرقی نیست. تنها امید به قلمون شرقی بود که همان‌اندک نیروی موجود در آن، مصروف نبرد با داعش در کوهستان‌های منطقه شده است. در غوطه غربی، با سقوط دیرخیه و بویضه، خان‌الشیخ هم می‌رود تا با وجود مقاومت گسترده‌اش به سرنوشت داریا و معظمیه در ماه‌های قبل مبتلا شود. در جبهه جنوبی (درعا، سویدا و قنطره) هم هیچ آتشی افروخته نمی‌شود تا فشار بر غوطه شرقی و غربی کاسته شود. به جز

عملیات شکست خورده «جیش الیرموک» در کتیبه المهجوره که با تلفاتی سنگین شکست خورد، اقدامات پراکنده فتح‌الشام و احرارالشام و گلوله‌باران ضعیف الویه فرقان، خیال نیروهای دولتی از جبهه جنوبی، به‌رغم همه شایعات در خصوص تدارک نبردهای سنگین از سوی مخالفان، راحت است.

در جبهه حما هم پس از درگیری‌هایی که میان جندالاقصی و احرارالشام پدید آمد و به انحلال جندالاقصی و توقف پیشروی‌ها منتهی شد، ضدحمله نیروهای دولتی شکست سخت مخالفان را رقم زده است. تمام دستاوردهای مخالفان در شرقی جاده مورک- حما توسط نیروهای دولتی بازپس گرفته شد؛ با سقوط صوران؛ طیبه الامام و حلفایا در خطر سقوط قرار دارند؛ علاوه بر آنکه ممکن است با پیشروی نیروهای اسد به شمال، مورک و خان شیخون هم تهدید شوند. مخالفان (به سرکردگی جیش النصر و جیش العزه که خود را بخشی از ارتش آزاد معرفی می‌کنند) با حملات ایدایی (آتش توپخانه و راکت گراد، موشک ضدتانک و حملات برق آسا) می‌کوشند مانع پیشروی بیشتر نیروهای اسد شوند. این روش توسط مخالفان در ریف لاذقیه هم دنبال می‌شود. جایی که «فرقه الاولی الساحلیه» می‌کوشد بخش هرچه بیشتری از توان نیروهای اسد و عملیات هوایی روسیه را متوجه اقدامات خود کند.

بحران در جبهه داخلی مخالفان اسد

در میانه جنگ اسد و مخالفانش، آتش درگیری و تنش میان مخالفان هم همچنان تند و تیز است. تقریباً جایی نیست که مخالفان اسد با یکدیگر درگیر نباشند.



فیلق الرحمن و شلیک گلوله به سوی تظاهرکنندگان شد. اختلاف بر سر تشکیل ارتش مشترک، مسئله تبادل اسرا میان دو گروه، اختلافات عناصر وابسته به سعودی و قطر که به ترتیب حامی جیش الاسلام و فیلق الرحمن هستند، نحوه بهره‌برداری از تونل‌های مخفی و مسائل مالی در کنار نقش فتح‌الشام که با فیلق الرحمن، ائتلاف جیش الفسطاط را تشکیل داده، در تداوم این تنش‌ها مؤثر بوده است.

حالت بسیار سیال صحنه نبرد در سوریه، به سرعت دوستی‌ها را به دشمنی و همکاری را به خصومت بدل می‌کند؛ همان‌طور که خصومت میان دولت سوریه و کردها در حسکه اکنون بدل به همکاری شده است.

تنش در ادلب، منطقه اصلی مخالفان هم‌چنان ادامه دارد. فتح‌الشام برخی از اعضای لواء شهدا الاسلام (گروهی که با تسلیم داریا، از آنجا به ادلب منتقل شدند) را به جرم ایجاد بدنامی برای اسلام دستگیر کرده است. شایع شده است خزل صرحان، رهبر گروه موسوم به «ارتش جدید سوریه» که مورد حمایت مستقیم آمریکا بود و در بادیه الشام علیه داعش می‌جنگید، پس از تحمل شکست در البوکمال از بسیج مجدد نیروهایش ناتوان شده و به شغل قبلی خود (قاچاق سیگار) بازگشته است.

مخالفان برای حل اختلافات می‌کوشند؛ در غوطه شرقی با این امید که ترس از سقوط در برابر ارتش اسد، که حالا

در الانصاری و صلاح‌الدین حلب، گروه موسوم به «تجمع فاستقم کما امرت» مورد هجوم ائتلافی از نیروهای فتح‌الشام، حرکت نورالدین زنگی و گردان‌های ابوعمار قرار گرفت؛ دستگیری اعضا و مصادره اسلحه و پایگاه‌ها، رهبر گروه فاستقم را وادار ساخت برای محافظت گروه، با احرارالشام بیعت کند. بدیهی است که با توجه به قدرت احرار، هیچ گروهی در خود امکان تعرض به آن را نمی‌بیند. گرچه احرار و فتح‌الشام همچنان با هم همکاری می‌کنند، اما آشکارا دچار زاویه و اختلاف هستند. کوشش‌های المحیسنی برای ادغام دو سازمان، با مخالفت جدی احرار مواجه شد. مسئله جندالاقصی و روش برخورد فتح‌الشام با آن هم مورد انتقاد جدی احرار بود. درگیری دیگری که در حلب رخ داد، عملیات جمعی از گروه‌ها علیه گروه «جبهه شامیه» بود؛ این عملیات با نام «انصره للمظلوم» با این ادعا مطرح شد که برخی عناصر جبهه شامیه، با نیروهای ی.پ.گ همکاری دارند و به آنان در عملیات نظامی کمک می‌کنند. به علاوه این افراد متهم به دست داشتن در عملیات بمب‌گذاری در اعزاز شدند. جبهه شامیه ناگزیر مجبور به همکاری شده و با توسل به احرارالشام، حکمیت شرعی برای حل اختلافات و همکاری کامل در حل و فصل مسائل ادعاشده را پذیرفت. در غوطه شرقی هم تنش داخلی همچنان ادامه دارد. تظاهرات برخی مخالفان علیه فیلق الرحمن برای کنار گذاشتن اختلاف با جیش الاسلام منتهی به برخورد خشن

نتیجه گیری

این انتظار که ایالات متحده پس از پیروزی ترامپ چه طرح و نقشه‌ای برای سوریه خواهد داشت، موجب نخواهد شد که طرفین درگیر، دست روی دست بگذارند. آنچه محتمل است، شدت گرفتن درگیری میان ی.پ.گ (کردها) و ائتلاف ترکیه- ارتش آزاد در شمال حلب، ادامه موفقیت‌های ارتش اسد در حاشیه دمشق، زوال بیشتر داعش و ادامه بن‌بست نظامی در حلب است. عملیات نظامی در بخش شرقی حلب، تلفات سنگین غیرنظامی را موجب خواهد شد که البته این مسئله مانعی برای اجرای عملیات نخواهد بود. حالت بسیار سیال صحنه نبرد در سوریه، به سرعت دوستی‌ها را به دشمنی و همکاری را به خصومت بدل خواهد کرد؛ همان طور که خصومت میان دولت سوریه و کردها در حسکه اکنون بدل به همکاری شده است. رابطه مبهم روسیه- ترکیه، طرح اردوغان برای ادامه نبرد پس از فتح الباب، مسئله موضع آمریکا در قبال کردها و ترکیه، موضع روسیه در خصوص مصالحه‌ای احتمالی در مورد سوریه و فعالیت عربستان سعودی و اسرائیل، در صحنه سوریه، افقی مبهم را پدید آورده است. به طور کلی افق سیاست در سوریه روز به روز مبهم‌تر و وضعیت انسانی وخیم‌تر شده است.

بسیار محتمل شده، طرفین را وادار به وحدت کند و در حلب، با پیگیری طرح موسوم به «واعتصموا»؛ طرحی که طی آن اعضای جبهه اسلامی (به سرکردگی احرار الشام)، اعضای اتحاق فتح حلب و برخی شاخه‌های ارتش آزاد در آن متحد شوند. عمر سلخو فرمانده نظامی حرکت نور الدین الزنکی و ابوبشیر معاره فرمانده نظامی «فتح حلب» این طرح را مورد تأکید مشترک قرار دادند. هرچند که این طرح، قدمتی دو سه ساله دارد و هنوز عملیاتی نشده است.

سرنوشت داعش

وضع داعش، بیش از گذشته بغرنج است. خلافت، به انتهای خط رسیده است. نبرد موصل در عراق، ممکن بود موجب انتقال بخش بزرگی از نیروها به سوریه شود. اما اراده جدی داعش برای دفاع از موصل (که البته عمدتاً از ناحیه نیروهای بومی آن است) و در محاصره افتادن بخش بزرگی از نیروها، این احتمال که خاتمه کار داعش در عراق، به منزله آغازی نو در سوریه باشد را ضعیف ساخته است. داعش در دیرالزور به جنگ فرسایشی خود ادامه می‌دهد، هرچند که اکنون آشکار شده، بختش برای پیروزی در آنجا از میان رفته است. در حومه حمص و حما، تحرکی جدی از ناحیه داعش وجود ندارد. در شمال حلب، زیر حملات سنگین ائتلاف ترکیه- ارتش آزاد از یک سو و ی.پ.گ از سوی دیگر هیچ چاره‌ای جز عقب‌نشینی برای داعش باقی نمانده است. خلافت همان طور که از «دابق» شهر آخرالزمانی خود، صرف‌نظر کرد، به راحتی از شهرهای دیگر هم عقب‌نشینی خواهد کرد. داعش امیدی به شدت گرفتن جنگ میان ارتش آزاد، کردها و اسد هم ندارند. هر سه دشمن داعش، اگر ضرورتی حیاتی در میان نباشد، اول کار داعش را تمام می‌کنند و بعد به سراغ یکدیگر خواهند رفت. داعش در آخرین کوشش‌هایش، باید از رقه در برابر هجوم کردها دفاع کند. اینکه نیروهای محلی داعش حاضر به جدایی از این گروه و پیوستن به مخالفان اسد بشوند، در رقم‌زدن به تحولات آتی و شکل دادن جبهه جدید و نیرومندی علیه بسط قلمرو ی.پ.گ (کردها) اهمیت بسیاری خواهد داشت.

